

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1390/03/07



ملاقات با ميته هنگام عدم وجود رطوبت مسئله دهم مي فرمايد ملاقات الميته بلا رطوبه مسريه لا. توجب النجاسه علي الاقوي و ان كان الاحوط غسل الملاقي خصوصا في ميته الانسان قبل الغسل مسئله را فتوا را فهميديم كه اين را مي گويد علي الاقوي مي گويد بعد احتياط مستحبي ذكر مي كند مطالبه است كه بايد دقت بشود مي فرمايد ملاقات ميته ادم دست بگذارد به جسم ميته اگر رطوبت مسريه نداشته باشد ايا مجرد دست گذاشتن موجب نجاست مي شود سيد فرمود كه بدون رطوبت مسريه مجرد دست گذاشتن موجب نجاست نمي شود از اين اقوي و احوط چه به دست مي اوريم؟

اقوي يعني چه؟

نكته اي كه عزيزان مي پرسند كه اقوي با فتوا چه فرقي دارد؟ فرقي را الان فهميديم اقوي جايي است كه ادله اختلاف يا بالا. و پايين دارد بهترين دليل را كه انتخاب كرد براي حكم ان حكم را مي گويد اقوي لذا اقوي خبر مي دهد كه پشت پرده بحث است و الا. در عمل اقوي خود فتواست

اقوال پنج گانه در مسئله

حالا. در اين مسئله پنج تا قول وجود دارد قول اول اين است كه ميته يا ميت انسان اصلا نجس نيست انسان موجود پاكي است با شهادتين اولوين ظاهر جسد پاكي مي شود با شهادت ثالثه باطن پاكي مي شود قد طهرنا بولايت

سوال (شهادت ثالثه اشهد ان عليا ولي الله) در اذان و اقامه

سوال و جواب شهادت به وحدانيت خدا شهادت به نبوت و شهادت به ولايت و شهادت به حجت الحج عصمت الكبرى اشهد ان عصمت الكبرى حجت علي حجج الله فاطمه الزهرا سيد نساء العالمين ما شهادت رابعه را مندرج به شهادت ثالثه مي دانيم و تابع دستور هم

هستیم ما شرعا دستور هم نداریم که شهادت رابعه را در اذان بگوییم تابع دستوریم اما شهادت ثالثه هم دستور هم دارد تمامی فقها عملاً فتوا داده اند بر اینکه شهادت ثالثه در اذان مشکلی که ندارد و علامه مجلسی روایتی نقل می کند دال بر استحباب و سید الحکیم صاحب مستمسک هم می گوید که استحبابش خالی از قوت نیست و نکته بعدی هم دلیلی که از تتبع به دست می آید صلوات و سلام بر پیامبر و امیرالمومنین در متون فقهی و دینی ما متلازمینند از هم جدا نیستند هر کجا دیدید صلوات و سلام بر پیامبر صلوات و سلام بر امیرالمومنین بوده است حتی مکان و جایگاهشان از طریق فریقین متلازم است خوشبختانه این روایت از حضرت زهرا سلام الله علیهاست هم از ابنا عامه من اول در منابع ابنا عامه دیدم بعد دیدم که در روایات خود ما هست که پیامبر که به عرش رفت در قائمه عرش الهی سه تا کتیبه را دید اول لا اله الا الله دوم محمد رسول الله سوم علی ولی القوم به یک نص و علی ولی به نص دیگر و علی ولی الله در هر صورت مکان از قائمه عرش تا اینجا بعضی از عزیزان که کلام و فلسفه می خوانند ملاصدرا می گوید که حکمه عرشیه به این تعبیر شما بگویید که سند عرشی در قائمه عرش الهی محقق است

قول اول میت انسان مسلمان نجس نیست (قول محدث کاشانی)

چرا چون شهادتین مطهر است و پاک است و جعل صلاتنا علیکم و ما خصنا به من ولایتکم تذکیر لنا و طهارتا لانفسنا

غسل میت از باب تنظیف است یا تعبدا

غسل را که شرع دستور داده تعبداست یک تنظیف است غسل دلیل بر نجاست نمی شود اولاً و ثانیاً تعبدا باشد خیلی اوامر تعبیدی است این قول اول منسوب به محدث کاشانی است کتاب مفاتیح الشرائع جلد 1 صفحه 660

قول دوم میت مسلم نجس نیست و لو با رطوبت تماس حاصل شود (قول ابن ادریس حلی) در کتاب سرائر جلد 1 صفحه 163 می فرماید میت انسان ممکن است نجس باشد ولی منجس نیست دلیل بر منجسیت نداریم بنابراین دست با رطوبت و بدون رطوبت به بدن میت برسد نجس نمی شود .

قول سوم (قول مشهور) تماس با رطوبت میت مسلمان قبل از غسل منجس است قول سوم قول مشهور است همان که در متن آمده اگر دست مرطوب با بدن میت تماس بگیرد نجس می شود و اگر بدون رطوبت باشد نجس نمی شود مشهور است البته قبل از غسل بعد از غسل که تطهیر شد و عنوان فرق کرد

قول چهارم (قول علامه حلی و ...) میته از اعیان نجسه است

ولی با سایر اعیان نجسه فرق دارد و تر و خشک آن هنگام تماس نجس می کند اعیان نجسه دیگر جذب و سرایت و رطوبت لازم دارد در تنجیس میته به طور مطلق خشک باشد یا تر باشد تماسی و مساسی پیدا نکند نجس می کند این حکم خاص میته است و ما تابع دلیلیم این قول منسوب است به علامه حلی در کتاب منتهی جلد 1 صفحه 128 و شهیدان (ره) در کتاب همین شرح لمعه جلد 1 صفحه 114 قول چهارم

قول پنجم (قول جماعتی) میته حکمش حکم سایر نجاسات است مگر میته مسلمان که با غسل پاک می شود

قول پنجم گفته می شود که میته حکمش حکم سائر نجاسات هست مگر میت انسان میت

انسان لمسش خشک باشد يا تر موجب نجاست مي شود که شاهد اين مدعا غسل مس ميت است تحقيق مطلب

اين پنج تا قول را داريم سيد الاستاد مي فرمايد کتاب تنقيح جلد 2 صفحه 462 که اين قول پنجم را جماعتي گفته اند چون جماعت مي شود ما دنبال مصدر نمي رويم و اما تحقيق و بررسي اقوال نسبت به قول اول و همچنين قول دوم که مي گفت ميت انسان پاک است غسل به عنوان یک حکم تعبدی است و قول بعدی هم مي گفت که منجس نيست اين دو تا قول قابل قبول و تايد نيست به قول سيد الاستاد لا يمكن المساعدة عليه بوجه چرا چون نصوصي داريم دال بر نجاست و سرايت ان در شي ديگر

صحيحه عبیدالله حلبی (نسبت به تماس با رطوبت يا غير ان مطلق است) که از جمله ان نصوص صحيحه حلبی کتاب وسائل الشيعه جلد 2 باب 34 از ابواب نجاسات حديث 2 خيلي حديث عالي دارد عن علي بن ابراهيم از محمد بن يعقوب شيخ كليني نقل مي کند عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عيسى دو تا حماد داريم دو تايش ثقه و از اجلا هست حماد بن عيسى و حماد بن عثمان عن الحلبي حلبی که در پشت سر مشايخ ثلاث هست ابابصير و زراره و محمد بن مسلم اين حلبی که اسمش عبید الله حلبی است از امام صادق عليه السلام نقل مي کند: قال **سأله عن الرجل يصيب ثوبه جسد الميت فقال يغسل ما اصاب الثوب** دلالت کامل بدون هيچ ابهامي اين دلالت دارد که لباسي که به جسد ميت اصابت کرده سوال شده که چه حکمي دارد گفته بايد تطهيرش بکنيد دقيقا سوال مي کند که انجا چيز ديگري در انجا نيست فهم عرف و سوالات متشرعه از نجاست و طهارت است از فال زدن و شحوم و اينها که نيست که جسد ميت اصابت کرد بنابر اين جواب مي فرمايد که امام عليه السلام که يغسل {بفتح ياء} يغسل {بضم} هم درست است مناسب است دارد با نجاست و طهارت دلالت کامل است فهم فقها هم اين است ما ضعفا هم شكي نداريم که دلالت بر مطلوب کامل و واضح است

سوال و جواب ان مسري و غير مسري جمع بين روايتين مي کنند در روايات داريم که كل شي يابس ذكي ان با ان جمع بکنيم نتيجه اش اين مي شود از اين جهت مي گوييم که يابس ذكي که کنارش بگذاريم نتيجه اش اين مي شود که خشک نشود سوال نسبت به وجوب و استحباب هم اطلاق دارد قطعا اطلاق به وجوب منصرف است که اطلاق حکم اطلاق امر مولا اصل وجوب است اين مطلب دلالت تمام

صحيحه ابراهيم بن ميمون (لمس قبل از غسل همراه رطوبت طرح نموده است) روايت ديگر در همين باب حديث اول اگر ذهن شريفتان باشد اين يك روايت را يك بار ديگر خوانده ايم و صحيحه هست اما سيد الاستاد اين را صحيحه نياورده من نفهميدم هر چه دقت کردم يك ذره مشكلي براي صحيحه بودنش نيافتم صحيحه ابراهيم بن ميمون از امام صادق عليه السلام حديث اول در همين باب **سألت ابا عبد الله عليه السلام عن رجل يقع ثوبه علي جسد الميت قال ان كان غسل الميت فلا تغسل ما اصاب ثوبك منه و ان كان لم يغسل فاغسل ما اصاب ثوبك منه** ان شرطي که گفتيم انجا اورديم که اگر غسل داده باشد ميت را که تطهير شد قبل از غسل اگر لمس کند نجس مي شود و از انجا که 1. فهم عرف 2. مذاق متشرعه 3. نص خاص وجود دارد بر عدم تنجيس نجس يابس بنابر اين مورد را

به طور متعين مي دانيم كه عبارت است از موردی كه بدن مرطوب باشد دلالت روايت كامل بنابر اين دو تا مطلب را ما استفاده كرديم 1. مطلب خودمان را اثبات كرد كه قبل از غسل و اگر مرطوب باشد نجس مي كند كه قول مشهور بود مطلب ديگر انهي كه مي گفتند كه ميت نجس نيست قطعا به صراحت اين نص معتبر مي فرمايد ميت تنجيس مي كند يعني هم نجس است و هم منجس دو تا قول اول را از دائره بيرون ساخت و مطلب و مطلوب ما كه در متن آمده است را ثابت كرد اما قول چهارم و پنجم گفته شد كه ميتة حكم خاصي دارد تر و خشكش به مجرد تماس و ملاقات نجس مي كند اين مطلب را گفته بودم مطلبي است كه قابل تاييد و قبول نيست براي رد اين قول ما از نصوص استفاده مي كنيم دليل ما بر عدم صحت اين قول مضافا بر فتوا يا اجماع عملي فقها نصي است كه وارد شده است اولاً سيرة متشرعه فهم عرف متشرعه و اجماع عملي فقها بر اين است كه ملاقات با شي نجس اگر خشك باشد و سرايتي اصلاً در كار نباشد نجس نمي كند تنجيس به وجود نمي آيد اين اولاً و ثانياً نص خاصي داريم نص خاص ما موثق ابن بكير كتاب وسائل جلد 1 باب 31 حديث 5 از ابواب خلوت نقل مي كند از امام صادق عليه السلام كه فرمود قال **قلت لابي عبدالله ع الرجل يبول ولا يكون عنده الماء فيمسح ذكره بالحائط قال: كل شي يابس زكي** اين ديگر يك عمومي است تمام عيار هر چيزي كه نجاسات باشد و خشك باشد اين پاك است يعني منجس نيست دلالت روايت كه كامل است عموم هم كه مشخص سند هم درست اين روايت طبيعتاً با همان جمع بندي كه در ضمن اشاره شد با رواياتي كه دلالت دارد بر نجاست و تنجيس ميت و ميتة در ماده اجتماع خودشان تعارض مي كنند در اين تعارض بحث را به اين شكل در نظر بگيريد كه اولاً رواياتي كه دلالت دارد بر نجاست ميتة و تنجيس كه همان صحيحة حلبی بود اولاً ان روايات منصرف است به صورتی كه رطوبت در ملاقات وجود داشته باشد شاهد انصراف هم فهم عرف يا عرف متشرعه است بنابر اين اولاً كه تعارضي در كار نيست

در تعارض عام و مطلق، عام مقدم است.

و ثانياً اگر تعارض صورت بگيرد ان دسته مثلاً روايت حلبی گفت ميت انسان نجس است ان روايت گفت كل نجس خشك منجس نيست تعارض مي كند ان روايات گفت كل ميتة و ميت انسان تعارض كجا مي شود ميت انسان كه خشك باشد ادله و نصوص دال بر تنجيس ميت مي گويد ميت است و تنجيس هست ادله كل يابس زكي مي گويد كه اينجا نجس خشك است و تنجيس نمي كند پس در ماده اجتماع تعارض به عمل امد اولي كه دلالت بر تنجيس مي كند مطلق است و دومي كه دلالت بر تطهير مي كند عام است و ما گفتيم كه بر مبناي سيد الاستاد و اخيرين تحقيق اصولي در تعارض دو تا معنای داراي شمول اگر يكي مطلق باشد و ديگري عام عام مقدم است بر مطلق چون دلالتش لفظي است و ظهورش اقوي ظهور لفظي اقوي از ظهوري است كه عقلي باشد مقدمات حكمت در حقيقت مقدمات عقليه بنابر اين صحيح همان است كه در متن آمده كه ميت انسان اگر خشك باشد و رطوبتي نداشته باشد دستي كه با ان ملاقات كند نجس نمي شود اگر با رطوبت ملاقات به عمل بيايد تنجيس به عمل مي آيد اين مطلب صحيح و مطابق با نصوص و جمع بين ادله و مقتضاي فهم عرف متشرعه است